



چهارشنبه ۱۵ فروردین ۱۴۰۳



شماره ۴۱۰۵



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

ژاک هلدر (مشاور ارشد برنامه سیاسی غذا و کشاورزی در مجلس نمایندگان آمریکا)، مایک اسپیی (وزیر کشاورزی اسبق ایالات متحده آمریکا در دوران بیل کلینتون)، دان گلیک من (وزیر کشاورزی اسبق ایالات متحده آمریکا در دوران بیل کلینتون)، مایک ژوهانس (وزیر کشاورزی اسبق ایالات متحده آمریکا در دوران بوش پسر) و دوری بوئنر وروک (اقتصاددان ارشد سابق ریاست کمیسون تجارت بین‌المللی ایالات متحده) در مقاله «بازگشت مهلک سلاح‌سازی از غذا، نحوه مقابله با احیای یک تاکتیک قدیمی» که در وب‌سایت فارن‌افرز منتشر شده است، به بررسی روند اخیر استفاده از غذا و محدود کردن دسترسی به آن به‌عنوان یک سلاح پرداخته‌اند. اهمیت این مقاله از دو جهت ناشی می‌شود؛ اولاً مفهومی جدید تحت‌عنوان «سلاح‌سازی از غذا» مطرح شده است؛ مفهومی که پیش از این کمتر مورد توجه قرار گرفته بود و ظاهراً در آینده بیشتر از آن خواهیم شنید. دومین نشانه اهمیت مقاله از نویسندگان برجسته آن ناشی می‌شود؛ به‌طوری‌که سه وزیر کشاورزی اسبق ایالات متحده از مولفان آن به‌شمار می‌روند. اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که آنان علی‌رغم داد سخن سردادن از «اسلحه‌سازی از غذا» و اشاره به نبرد روسیه و اوکراین، به جنایات صهیونیست‌ها در غزه- که جلوه‌ای از آن در همین استفاده از غذا به‌عنوان اسلحه و گرسنگی دادن مردم فلسطین نمود یافته است- اشاره قابل توجهی ندارند.

■ ■ ■

غذا یک سلاح جنگی است. استفاده از غذا به‌عنوان سلاح، همانند تسلیحات هسته‌ای می‌تواند منجر به مرگ گسترده غیرنظامیان شود و صحنه‌های وحشتناک غیرقابل‌تصوری را به‌وجود آورد، بنابراین به‌دستی خشمی اخلاقی نسبت به «استفاده از غذا به‌عنوان یک سلاح» وجود دارد. اما برخلاف سلاح‌های هسته‌ای، از این سلاح به‌طورمعمول در جنگ‌ها استفاده می‌شود. در دنیای جهانی شده ما، این ابزار خطرناک‌تر از همیشه شده است. نبرد درگیری مدت‌هاست به‌یکی از عوامل اصلی گرسنگی جهانی بدل شده است. این الگوی بایدار امروزه در اماکنی مانند نوار غزه، هائیتی و سودان- که میلیون‌ها غیرنظامی در آنها در آستانه قحطی هستند- به نمایش گذاشته شده است. حلقه وصل نبرد و گرسنگی تا حدی متاثر از خود سلاح‌سازی غذاست؛ روشی جنگی که در آن از پتانسیل قهری اختلال (یا تهدید به ایجاد اختلال) در منابع غذایی حیاتی از طریق غارت و تخریب مزارع، دستکاری در ذخایر مواد غذایی برای اعمال کنترل سیاسی داخلی و دست یازیدن به محاصره برای گرسنگی دادن به غیرنظامیان محصور شده استفاده می‌شود. یکی از نمونه‌های جدیدتر استفاده از غذا به‌عنوان تسلیحات جنگ داخلی سوریه است که طی آن رژیم بشار اسد آنچه را «کمپین گرسنگی تا تسلیم» نامیده بود، به‌راه انداخت و ورود مواد غذایی به مناطق مسکونی را- که تصور می‌شد پناهگاه نیروهای شورشی است- ممنوع کرد، همچنین جنگ داخلی یمن که در آن در دوطرف جنگ داخلی تولیدات کشاورزی را مورد هدف قرار دادند و نابود کردند، بازارهای محلی مواد غذایی را مختل و جریان کمک‌های بشردوستانه را مسدود یا منحرف کردند.

اما از زمان حمله به اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه استفاده از این ابزار را وارد مرحله جدیدی کرده است. کرملین نه‌تنها ظرفیت کشاورزی اوکراین را مورد هدف قرار داده، بلکه عرضه گسترده‌تر غذای جهانی را نیز تهدید کرده است. در اقتصاد جهانی وابسته به هم استفاده از غذا به‌عنوان سلاح در یک منطقه می‌تواند امنیت غذایی همه مناطق را تحت‌تاثیر قرار دهد. مسکو از این وابستگی متقابل سوءاستفاده و تعدد عرضه مواد غذایی را با هدف پیشبرد اهداف نظامی کرملین مختل کرده است. درطول جنگ، مسکو محدودیت‌های صادراتی را اعمال کرده، دریای سیاه را محاصره کرده، انبارهای غله را بمباران کرده، صادرات کشاورزی اوکراین را نابود کرده، اهرم فشاری بر کشورهای بی‌طرف واردکننده مواد غذایی به‌دست آورده و در این فرآیند عزم غرب را به برته آزمایش گذاشته است.

در آغاز تهاجم روسیه، قیمت جهانی مواد غذایی به بالاترین حد خود رسید. تورم و نوسانات قیمت مواد غذایی امروز همچنان بر کشورهای کم‌درآمد موثر است. شوکی که این جنگ به تولید و تجارت کشاورزی وارد کرده عامل اصلی بحران غذایی جهانی است که میزان گرسنگی حاد جهانی را از سال ۲۰۲۰ تقریباً سه‌برابر کرده و ۳۳۳ میلیون نفر را در معرض خطر گرسنگی قرار داده است. شوک مذکور به‌نظام جهانی غذایی نشان‌دهنده فرصتی برای به پای کار آوردن

۳ وزیر اسبق کشاورزی و ۲ مقام سابق آمریکایی درباره احیای یک تاکتیک گرسنه‌سازی در جنگ هشدار دادند

بازگشت به دوران سلاح‌سازی از غذا



از این ابتکار برای عملیات نظامی سوء استفاده نمی‌شود. در معاهده منع استفاده از غذا به‌عنوان سلاح چنین چهارچوبی می‌تواند نهادینه شود. در هرسورت وقوع جنگ، طرفین ملزم به ایجاد مراکز هماهنگی مشترک با مشارکت سازمان ملل خواهند بود؛ مراکزی که بر ورود جریان مواد غذایی به مناطق درگیری نظارت و اطمینان حاصل‌کنند که محموله‌های مواد غذایی از سوی جنگجویان منحرف نمی‌شوند، درقبال ارائه آنها پول دریافت نمی‌شود یا برای قاچاق تجهیزات نظامی مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرند.

تحریم‌های اقتصادی نیز می‌تواند فارغ از تعددی بودن یا نبودن، نوعی استفاده از مواد غذایی به‌عنوان سلاح باشند. کشورهای غربی که تحریم‌هایی را علیه روسیه اعمال می‌کنند برای حفظ جریان عرضه مواد غذایی به‌رحمت افتاده‌اند اما بازارهای مواد غذایی به دلیل پدیده‌ای به نام «پایبندی بیش‌ازحد» با تمایل شرکت‌های خصوصی برای عمل‌ایمن‌پایبندی شدیداً هنگام وجود قوانین تحریمی تحت‌تاثیر قرار گرفته‌اند. در معاهده‌ای که اسلحه‌سازی از مواد غذایی در آن ممنوع شود، به‌طور خودکار مواد غذایی و نهاده‌های کشاورزی باید از جریان تحریم‌ها حذف شوند و درعین‌حال دستورالعمل‌های اجرایی جهانی را نیز برای حل مشکل پایبندی بیش‌ازحد ارائه‌کنند. اگر دربرابر استفاده از مواد غذایی به‌عنوان سلاح مانعی ایجاد نشود، ممکن است با دنیایی گرسنه‌تر و خشن‌تر روبه‌رو شویم.

درنهایت، محدودیت‌های صادراتی برای صادرکنندگان مواد غذایی حیاتی و کودهای شیمیایی، خطری جدی و مداوم برای امنیت غذایی جهانی ایجاد می‌کند. محدودیت‌های صادراتی معمولاً مسری هستند و سبب ایجاد تب خرید و احتکار مواد غذایی داخلی در فرآیندی شبیه به بانک‌ها می‌شوند. درنتیجه یک قدرت کشاورزی بزرگ و متخاصم می‌تواند عرضه صادرات خود را متوقف کند، تورم و نوسان قیمت‌ها را تحریک‌کند و سپس دوباره وارد بازارهای جهانی شود تا مواد غذایی و نهاده‌ها را با قیمت‌های اخذای مآبانه بفروشد یا بر کشورهای واردکننده مواد غذایی فشار سیاسی اعمال‌کند. بنابراین معاهده منع استفاده از غذا به‌عنوان سلاح باید کشورهایی را که مقادیر قابل‌توجهی غذا و کود تولید می‌کنند، از اعمال محدودیت‌های صادراتی منع‌کند.

طرف‌های این معاهده همچنین باید آسیب‌پذیری روافزون کشورهای درحال‌توسعه دربرابر استفاده از غذا به‌عنوان سلاح کاهش دهند. بحران‌های اساسی غذایی، مانند بحران‌های ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ و بلایای آب‌وهوایی برخی کشورها را به‌طور ویژه در مورد استفاده از غذا به‌عنوان سلاح آسیب‌پذیر کرده است. به‌همین دلایل طرف‌های معاهده باید متعهد به پیشگیری و کاهش نسبت به بحران‌های غذایی باشند. یکی از راه‌های انجام این کار، الزام طرفین به پرداخت تعهدات مالی بیشتر به موسسات چند جانبه مانند برنامه جهانی غذا و همچنین ایجاد یک صندوق تحقیقاتی جدید برای تقویت عرضه غذا در جهان درحال‌توسعه است.

ممکن است یک معاهده جهانی ممنوعیت تسلیحات غذایی بسیار خوش‌خیالانه به‌نظر برسد؛ وضعیتی که درباره اکثر معاهدات پیش از تحقق آنها صدق می‌کند. تمامی کشورها در منع استفاده از غذا به‌عنوان سلاح منافع‌ی دارند. برای ایالات متحده، سلاح‌سازی از غذا یک خطر امنیتی و همچنین یک تهدید اقتصادی است که به‌صورت بالقوه می‌تواند به کشاورزان و مصرف‌کنندگان آمریکایی آسیب برساند. چین نیز به‌عنوان یک واردکننده عمده مواد غذایی، علاقه‌مند به محدود کردن استفاده از غذا به‌عنوان سلاح است و می‌تواند شریک ارزشمندی در ترویج یک معاهده باشد. کشورهای درحال‌توسعه بیشترین آسیب را از سلاح‌سازی مواد غذایی متحمل شده‌اند و دلایل خوبی برای حمایت از معاهده‌ای دارند که قدرت‌های بزرگ‌تر را محدود می‌کند. اگر قدرت‌های کلیدی مانند روسیه از مشارکت در این معاهده خودداری کنند، متعهدان می‌توانند با اعمال مجازات دسته‌جمعی بر غیرامضاکنندگان‌ی که اصول معاهده را نقض می‌کنند، موافقت و جنبه‌های معاهده را حتی درصورت عدم تصویب جهانی، جهانی‌کنند.

وابستگی غذایی متقابل جهانی، خطرات سلاح‌سازی از مواد غذایی را به مرحله‌ای فراتر از خطرهای آبی جنگ‌کشانده است. این خطرات جدید مسئولیت‌های جدیدی هم ایجاد می‌کند. اگر دربرابر استفاده از مواد غذایی به‌عنوان سلاح مانعی ایجاد نشود، ممکن است با دنیایی گرسنه‌تر و خشن‌تر روبه‌رو شویم. اکنون خاطره جنگ هنوز تازه و زنده است، رهبران جهان باید گزینه سلاح غذایی را از روی میز بردارند.

غذایی به‌هم‌پیوسته آموزشی نیست. موافقتنامه‌های تجاری کشاورزی موجود مانع استفاده از محدودیت‌های صادراتی به‌عنوان ابزار اجبارساز نیستند. قوانین دریایی نا‌زمانی که مانعی برای کمک‌های بشردوستانه نباشند، محاصره را مجاز می‌داند، حتی ممنوعیت گرسنگی دادن به غیرنظامیان به‌عنوان روشی جنگی در کنوانسیون ژنو مشتمل بر استثنائات و ابهاماتی است، مانند مواردی که در آنها گرسنگی غیرعمدی بوده یا حالت عارضی به اهداف نظامی داشته باشد.

البته در گرماگرم تضاد، تعیین نیت (تعددی یا غیرتعددی بودن) دشوار است. علاوه‌بر این، آسیب‌دیدگان از پیامدهای گرسنگی ارتباط چندانی به شهروندان ندارد. تاکتیک‌هایی که به‌طور اتفاقی یا به‌صورت غیرمنتظره باعث گرسنگی‌کنشدن جمعیت غیرنظامی دشمن می‌شود و درنتیجه مزیت نظامی به‌ارمغان می‌آورد، اغلب از وقیحانه‌ترین استفاده‌های تعددی از غذا به‌عنوان یک سلاح قابل‌تمیز نیست. پیچیدگی سیستم غذایی و خود جنگ، تشخیص نیت را دشوار می‌سازد. اگر کی یف برای آسیب زدن به اقتصاد روسیه، جریان صادرات گندم و کود روسیه را مورد هدف قرار می‌داد، مطمئناً بسیاری اد‌عا می‌کردند چنین رفتاری قابل‌قبول است، حتی اگر بسیاری از غیرنظامیان خارج از منطقه درگیری هم در این روند آسیب ببینند. توافق‌های بین‌المللی موجود دربی حفاظت از غیرنظامیان مستقر در اطراف خط آتش هستند؛ نه محافظت غیرنظامیان سراسر جهان دربرابر تهدیدات سامان‌مند. در یک نظام غذایی وابسته به هم اختلال در تأمین مواد غذایی حیاتی- صرف‌نظر از قصد و نیت- استفاده از غذا به‌عنوان سلاح است. اگر استفاده از مواد غذایی به‌عنوان سلاح، براساس نتیجه و نه نیت درک شده مرتکبان آن قضاوت‌شود، کشورهای موافق ممنوعیت استفاده از این «سلاح» جدید، در نحوه جنگ خود بسیار محدودتر خواهند شد. اما اگر نیت غیرقابل‌تعین باشد، چنانچه در مورد استفاده از غذا به‌عنوان یک سلاح، شاهد آن هستیم، پس انکار آن هم ممکن است. برای تحدید چشمگیر استفاده از غذا به‌عنوان سلاح باید هنجارهای قوی ضد کاربست آن را با قوانین جدید و تکالیف صریح همراه کرد.

پرونده یک معاهده

اعتراض اخلاقی دیرینه جامعه بین‌المللی به گرسنگی به‌عنوان یک روش جنگی نیازمند سازوکار جدیدی برای اجرا و پاسخگویی است؛ معاهده‌ای که استفاده از غذا را به‌عنوان سلاح ممنوع می‌کند. در حالت ایده‌آل، این معاهده دارای چهار کنوانسیون یا موافقتنامه خواهد بود؛ موافقتنامه اول استفاده از غذا را به‌عنوان یک سلاح در درگیری‌ها تعریف و آن را ممنوع خواهد کرد. در توافق دوم استفاده از محدودیت‌های صادراتی به‌عنوان ابزاری برای اجبار اقتصادی مورد توجه قرار خواهد گرفت. موافقتنامه سوم تعهد جامعه بین‌المللی برای جلوگیری از بحران‌های غذایی را تقویت خواهد کرد و نهایتاً کشورهای عضو در چهارمین کنوانسیون متعهد خواهند شد شبکه تحقیق و توسعه‌ای را تأمین مالی‌کنند که به کشورهای کمک‌کنند زنجیره‌های تأمین مواد غذایی خود را متنوع‌سازند و به‌این‌ترتیب آسیب‌پذیری خود را دربرابر استفاده از غذا به‌عنوان سلاح کاهش دهند.

برای محافظت بهتر از غیرنظامیان در جنگ، در این معاهده باید تصریح شود هیچ هدف نظامی قانونی حمله به مواد غذایی یا وسایل تولید آن را توجیه نمی‌کند. در این معاهده تصریح خواهد شد زمین‌ها و تاسیساتی که عمدتاً برای تولید یا ذخیره‌سازی محصولات کشاورزی استفاده می‌شوند باید به‌عنوان مناطق غیرنظامی تلقی شوند. در این معاهده طرفین جنگ صراحتاً مسئول تأمین غذای غیرنظامیان در قلمرو تحت‌کنترل خود دانسته می‌شوند و از آنها خواسته خواهد شد کمک‌های نقدی یا غیر نقدی خود را به‌عنوان هزینه جنگ، به برنامه جهانی غذا- آژانس سازمان ملل متحد که وظیفه ارائه کمک‌های غذایی در سرتاسر جهان را برعهده دارد- پرداخت کنند. مداخله نظامی در جریان تجارت، تحریم‌های اقتصادی و سیاست تجاری همگی اشکالی از اسلحه‌سازی مواد غذایی هستند و این معاهده باید به هر یک از این ابزارها بپردازد.

ابتکار غلات دریای سیاه- توافقی بین اوکراین، روسیه و ترکیه برای رفع موقت محاصره اوکراین از سوی روسیه و ازسربگیری صادرات غلات از طریق آب‌های بین‌المللی دریای سیاه- الگویی آموزنده برای جلوگیری از مداخله نظامی در تجارت مواد غذایی ارائه می‌دهد. براساس این ابتکار، در جولای ۲۰۲۲ یک مرکز هماهنگی مشترک بین طرفین و سازمان ملل برای مدیریت عبورامن محموله‌های مواد غذایی به/از دریای سیاه ایجاد شد. این مرکز مستقیماً بر محموله‌های غذایی نظارت می‌کرد تا اطمینان حاصل‌شود

همه جهان با هدف ممنوع کردن یکی از شرم‌آورترین و پایدارترین سلاح‌های جنگی بشری است. برای این منظور واشنگتن باید برای انعقاد یک معاهده بین‌المللی برای منع استفاده از «سلاح‌سازی غذا» تلاش‌کند. مذاکره و تصویب معاهدات امری بسیار چالش‌برانگیز است اما همین چالش است که این معاهدات را از وزن سیاسی و اخلاقی بسیار سنگین‌شان بهره‌مند می‌سازد. فرآیند مرتب بر یک معاهده، کل جامعه، از شهروندان عادی گرفته تا رهبران جهانی را درگیر خود می‌کند تا خطر سلاح‌سازی غذا را جدی بگیرند و درصورت موفقیت آمیز بودن هم یک الزام آور و قانونی برای صرف‌نظر از این سلاح جدید ایجاد خواهد شد.

غذا یک سلاح است

ارل باتز، وزیر کشاورزی ایالات متحده، در سال ۱۹۷۴ و در مصاحبه با مجله تایم جمله‌ای جسورانه و اکنون بدنام بر زبان آورد: «غذا یک سلاح است و اکنون یکی از ابزارهای اصلی در مجموعه ابزارهای مذاکراتی ما می‌باشد.» در چهارچوب جنگ سرد، وی وفور محصولات کشاورزی در آمریکا را ابزاری برای اجبار می‌دانست که واشنگتن می‌توانست در جهان سوم از آن استفاده کند؛ کمک و تجارت غذایی در ازای دریافت امتیازات سیاسی. در همین مقاله تأییم آمده بود: «این اقدام ممکن است یک سیاست وحشیانه باشد… اما واشنگتن نباید هیچ‌تعهدی برای کمک به کشورهایی که پیوسته و شدیداً با آن مخالفت می‌کند، احساس‌کند.» باتز از اصلی به قدمت انقلاب کشاورزی استفاده کرد که بیان می‌داشت غذا امکان کنترل را به کسانی می‌بخشد که آن را در اختیار دارند و بی‌بهرگان از خود را نیز آسیب‌پذیر می‌سازد. بهره‌برداري از این آسیب‌پذیری، مثلاً با محاصره و گرسنگی دادن به جمعیت غیرنظامی دشمن، همان «سلاح‌سازی غذا» است.

غذا قطعاً یک سلاح است و او هم اولین مقام دولتی نبود که این اصل را وضوح بیان می‌کرد. درطول جنگ داخلی روسیه، از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۲، رهبران بلشویک به‌شدت به خرید و توزیع غلات می‌پرداختند. قحطی سراسر اروپای شرقی- امری که در ابتدا پیامد ناخواسته جنگ داخلی و فروپاشی اجتماعی بود- به بلشویک‌ها چنان اهرمی علیه مخالفان داخلی خود داده بود که حتی به فکر ذر کمک‌های غذایی ارسال شده از سوی اداره امداد آمریکا افتادند و به‌صراحت به آمریکایی‌ها گفتند غذا یک سلاح است. درطول جنگ جهانی دوم، قدرت نسبی تولید غذای ایالات متحده برای متفقین بسیار حیاتی بود، به‌طوری‌که دفتر اطلاعات جنگی ایالات متحده، جیره‌بندی مواد غذایی را با شعار قابل‌توجهی تبلیغ کرد: «غذا یک سلاح است. هدرش نده!» قبل از جنگ جهانی دوم، تأثیرات سلاح‌سازی غذایی تنها در محدوده محلی بود، زیرا امنیت غذایی عمدتاً تابعی از منابع غذایی داخلی یا منطقه‌ای به‌شمار می‌رفت. اما زمانی که نظام‌های غذایی منطقه‌ای به یک سیستم جهانی وابسته به هم تنیده شدند، باتز طرحی حتی بزرگ‌تر را متصور شد: تسلط آمریکا بر تجارت جهانی غذا به‌عنوان ابزار جنگ اقتصادی و سیاسی. او قادر به پیش‌بینی این مساله نبود که وابستگی متقابل جهانی هدف قرار دادن دولت‌های منفرد را غیرممکن می‌کند.

ایالات متحده برای اولین بار پیشنهاد باتز را در سال ۱۹۸۰ آزمایش و یک تحریم غلات بر اتحاد جماهیر شوروی اعمال کرد. این طرح شکست خورد، مسکو به‌سرعت تأمین‌کنندگان جایگزینی پیدا کرد و دولت کارتر نیز ضربه شدیدی در سیاست داخلی خود متحمل‌شد. اما آزمایش آمریکایی‌ها با آنچه در آن زمان «سلاح غذایی» نامیده شده بود، درس تلخی به آنها داد؛ محدودیت‌های تجارت مواد غذایی می‌تواند پیامدهای خطرناک و غیرقابل‌پیش‌بینی داشته باشد. این نکته آشکار شد لیبرال‌دموکراسی که نظم بین‌المللی را رهبری می‌کند، هیچ فایده‌ای از چنین سلاح غیردقیقی ندارد؛ سلاحی که به همان اندازه که دشمنان را مورد هدف قرار می‌دهد، به متحدان و حوزه‌های داخلی هم آسیب می‌رساند.

اما ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه چندان مقید نیست. او معتقد است دنیسای آشفته‌تر قدرت نسبی او را بهبود می‌بخشد. از رژیمش محافظت می‌کند و اهداف نظامی او را پیش می‌برد. اقدامات کرملین نشان داده یک دولت منفرد می‌تواند قیمت غذا را افزایش دهد و آسیب‌های سنگینی را بر مردم گرسنه سراسر جهان تحمیل‌کند.

ناکامی در حکمرانی

غرب ابزارهای کمی برای ایجاد بازدارندگی دربرابر استفاده کشورهای سرکش از رهابرد سلاح‌سازی غذا در مقیاس جهانی دارد. حقوق بشردوستانه بین‌المللی که بیشتر آن در اوایل قرن بیستم تدوین شده، قادر به تصور نظام